

اهداف سیاسی آمریکا از طرح اصل ۴

۱۷ فروردین ۱۳۹۶ ساعت ۱۱:۳۰

آمریکا توانست به یاری این اصل برخی از اهداف سیاسی خود را تحقق بخشد. افزایش نفوذ سیاسی از طریق نزدیکی به چهره‌های همسو با سیاستهای آمریکا و انتصاب آنان در پستهای مختلف، کاهش نفوذ شوروی، تغییر نظام سیاسی ایران از طریق کودتا و... از جمله این نتایج است.

کافه تاریخ- مقالات

بعد از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد میان دو بلوک سرمایه‌داری و کمونیستی، تلاش دو کشور جهت نفوذ بر کشورهای منطقه و نیز گسترش ایدئولوژیهای خود، آغاز میشود. در این راستا آمریکا با طرح دکترینی چون دکترین ترومن، کشورهای جهان سوم از جمله ایران را محور توجه خود قرار میدهد. علت اهمیت یافتن ایران ناشی از چند دلیل مهم و در راستای ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی جهت توسعه کشور بود که در این نوشته به تشریح این دلایل و نیز نتایج حاصل از اجرای این اصل پرداخته میشود.

اصل ۴ ترومن

اصل ۴ ترومن، یکی از اصول لایحه پیشنهادی رئیس‌جمهور آمریکا هری ترومن در سال ۱۹۴۷ بود که به دنبال طرح مارشال، ارائه و در کنگره تصویب و در نهایت به دکترین ترومن معروف گردید. این اصل بعد از پایان جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری رقابت میان بلوک سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و جبهه کمونیستی با محوریت شوروی مطرح شده و در ابتدا ناظر به کمکهای مالی به کشورهایی مانند ترکیه و یونان بود که در معرض خطر کمونیسم قرار داشتند؛ اما بعد از مدتی آمریکا به این نتیجه رسید که این کمکها باید فراتر از یونان و ترکیه باشد و شامل کشورهایی که در معرض نفوذ مستقیم کمونیسم قرار دارند نیز گردد. از این رو بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران نیز به یکباره محور توجه آمریکا قرار گرفته و نحوه نفوذ و جلب توجه این کشورها در اصل ۴ دکترین ترومن انعکاس مییابد.

علت توجه آمریکا به ایران و اجرای اصل ۴ مبتنی بر چند دلیل بود. اولین و مهمترین دلیل جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود؛ چرا که ایران به دلیل نزدیکی جغرافیایی به شوروی، میتواند به راحتی تحت نفوذ مستقیم این کشور قرار گیرد. آمریکا بر این

باور بود که نابسامانی اقتصادی و نیز بنیه ضعیف نظامی میتواند بستر مناسبی برای بروز نارضایتیهای مردمی گشته و همین موضوع بر گرایش مردم به افکار سوسیالیستی تأثیرگذار است. دکترین ترومن در حالی مطرح میگردید که کمونیسم به بسیاری از کشورها نفوذ یافته و در ایران نیز جنب و جوش زیادی به وجود آورده بود. این تحرک در مورد کشورهای که با اتحاد جماهیر شوروی مرز مشترک داشتند، گسترده تر بود. ۱۰ چنانچه فعالیتهای حزب توده و حمایت این حزب از شوروی در حریان کسب امتیاز نفت، حکایت از تحرک جنبش کمونیستی در ایران داشت. آمریکا با توجه به این تحولات، توسعه ایران را مدنظر قرار میدهد تا ضمن افزایش نفوذ خود، مانع از گسترش ایدئولوژی شوروی گردد.

دومین دلیل اهمیت یافتن ایران نزد آمریکا، موقعیت استراتژیک ایران و برخورداری از ذخایر عظیم نفتی بود. بدین معنا که نفوذ بر ایران و ایجاد رابطه نزدیک با حکومت ایران میتواند به منزله دستیابی آمریکا بر بسیاری از منابع طبیعی کشور از جمله نفت نیز باشد. از این رو و با توجه به این دلایل، توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی به منظور ارتقا سطح بهداشت و نیز آموزش مردم مورد توجه قرار گرفته و با این تلقی، ایران مشمول اصل ۴ میگردد. در این رابطه ترومن در نطق خود به کنگره در سال ۱۳۲۷، اصل ۴ را ناظر بر کمکهای فنی به کشورهای جهان سوم عنوان کرده و اعلام میکند: «ما با یک برنامه شجاعانه برای اینکه پیشرفتهای علمی و صنعتی خود را در اختیار مناطق عقب مانده جهان قرار بدهیم، این دوره را آغاز میکنیم تا مناطق مزبور به سهم خود به پیشرفت نایل گردند. به عقیده من، ما می توانیم ملتهای صلح دوست را از علوم و فنون خود برخوردار سازیم...» ۲

اصل ۴ در مهر ۱۳۲۹ طی قراردادی با ایران به امضا رسیده و تا سال ۱۳۴۲ اجرا میگردد. از این رو ترومن که میدانست کمونیسم در شرایط فقر رشد میکند و روش مقابله با آن اعطای کمکهای اقتصادی است، توانست حمایت کنگره آمریکا را برای تصویب کمکها به دست آورد. ۳ بدین ترتیب با تصویب کنگره حدود ۳۵ میلیون دلار جهت اجرایی نمودن اصل مزبور در نظر گرفته میشود که بخشی از آن به صورت وام از بانک جهانی تأمین میشود. طبق اصل ۴ تغییر و تحول در وضعیت اقتصادی به منظور کاهش فقر و ارتقا سطح آموزشی و بهداشتی مردم به خصوص در روستاها، از اولویتهای اصلی طرح قرار گرفت و در همین راستا «کمیسون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی» تشکیل گردید؛ اما نتایج اجرای اصل برخلاف انتظارات مورد نظر بود و منجر به تغییرات اساسی نگردید.

در حوزه اقتصادی، پول تزریق شده به اقتصاد، علاوه بر آنکه بدون تحقیق و پیش بینی نتایج بود، با وضعیت اقتصادی کشور نیز تناسبی نداشت. به عبارتی طرحهای موردنظر، توسعه اقتصادی به سبک غربی را دنبال میکردند که نتیجه آن افزایش فقر و واردات و وابستگی اقتصادی کشور به محصولات خارجی بود. چنانچه طبق نظر برخی از کارشناسان «حجم صادرات آمریکا به ایران به بیست برابر صادرات ایران به آمریکا رسید. این در حالی بود که بسیاری از کالاهای صادراتی آن کشور به ایران جزء مواردی بود که نمونه آن در ایران نیز تولید می شد.» ۴

گذشته از این توسعه نامتوازن به همراه افزایش واردات برخی از کالاهای مصرفی و غیرضروری، در درازمدت باعث آسیبهای اجتماعی و نیز بروز برخی از انحرافات اخلاقی و ناهنجاریهای اجتماعی گردید. البته مطابق با انتظارات و طرحهای برنامه و نیز اصل

۴ اقدامات مفیدی در برخی از زمینه‌ها از جمله بهبود سیستم بهداشتی کشور صورت گرفته اما این اقدامات نیز اولاً بسیار ناچیز بود، ثانیاً بسیاری از روستاهایی که فاقد بهداشت و امکانات لازم و ابتدایی جهت مقابله با بیماریها بودند، بهره‌چندانی از این مزایا نبردند.

همانگونه که پیتز آوری در این رابطه یادآور میشود، «طرح‌های بهداشتی که هدف از آنها بالا بردن خدمات بهداشتی بود، در واقع آغازگر حل مشکلی بود که ابعاد بسیار گسترده‌ای داشت، به طوری که توقع به نتیجه رسیدن آنها در کوتاه مدت، بی‌جا بود.»^۵ با این حال آمریکا توانست به یاری این اصل برخی از اهداف سیاسی خود را تحقق بخشد. افزایش نفوذ سیاسی از طریق نزدیکی به چهره‌های همسو با سیاستهای آمریکا و انتصاب آنان در پستهای مختلف، کاهش نفوذ شوروی، تغییر نظام سیاسی ایران از طریق کودتا و... از جمله این نتایج است. چنانچه مسئول خزانه‌داری کمیسیون مشترک ایران و آمریکا (اصل ۴ ترومن) کسی جز ارتشبد زاهدی، از عوامل کودتای ۲۸ مرداد نبود. بنابراین گرچه آمریکا از طریق اصل مذکور نتوانست به توسعه ایران کمک چندانی نماید؛ اما توانست اهداف سیاسی خود را تحقق بخشد.

فهرست منابع

۱- جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳

۲- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶

۳- احمد موسوی بجنوردی، [اصل چهار، ارباب نفوذ پهلویها، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی](#)

و ر، ک: استیفن امبروز، روند سلطه‌گری، ص ۱۳۹-۱۳۸

۴- ادوین آردیدوویچ گرانتوفسکی و دیگران، تاریخ ایران از باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات پویش، چاپ ۱۳۵۹، ص ۵۱۲ و ۵۱۳.

۵- پیتز آوری، تاریخ معاصر ایران، ج ۳، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۷، ص ۳۵

